



طراحی مدل پیاده‌سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی

یاسمن مالکی^۱

عباسعلی حق پرست^۲✉

رضا ستوده^۳

حبیب پیری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل پیاده‌سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی با رویکرد آمیخته انجام شده است. در مرحله کیفی با ۱۵ نفر، که عمدتاً مدیران و معاونین دیوان محاسبات و بخش بانکی و اساتید دانشگاهی و خبرگان در حوزه مالی و حسابرسی بودند، که مصاحبه‌ها تا دستیابی به اشباع نظری به صورت هدفمند ادامه داشت و نمونه‌های بخش کمی براساس فرمول کوکران به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار پژوهش در بخش کیفی مصاحبه اکتشافی نیمه‌ساختمند بوده است و در بخش کمی برای ارزیابی پیاده‌سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی از پرسشنامه محقق ساخته که براساس کدهای بدست آمده در مرحله کیفی طراحی شد، استفاده شده است. در بخش کیفی تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل داده بنیاد انجام شد. روایی و پایایی مولفه‌ها بررسی و آلفای کرونباخ همه مولفه‌های بالا ۰/۷ بوده و طی آن؛ مهم‌ترین مولفه‌های پیاده‌سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی مورد سنجش قرار گرفته شد. در بخش کمی از طریق روش معادلات ساختاری، صحت مدل تحقیق، مورد تایید قرار گرفت. معلوم گردید که انتخاب مفاهیم، ابعاد و شاخص‌ها از دقت بالایی برخوردار بوده و می‌تواند چارچوب مناسبی را برای تدوین سند چشم انداز در بخش بانکی فراهم نماید.

واژه‌های کلیدی: پیاده‌سازی، مدیریت دانش، نظارت مالی، دیوان محاسبات، بخش بانکی.

طبقه بندی: JEL: M40, P34, Z10, P30

۱ گروه حسابداری، واحد زاهدان دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. stu.Yasamanmaaleki@iatuac.ir

۲ گروه حسابداری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول). abbasali.haghparsat@iau.ir

۳ گروه مالی و حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران. sotudeh@meybod.ac.ir

۴ گروه حسابداری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. habib.piri@iau.ir



۱- مقدمه

به دنبال وقوع فسادهای مالی و اختلاس‌ها در سیستم بانکی، اندیشه ضرورت تقویت نظارت بر سیستم بانکی در محافل و مراجع نظارتی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت (کمیته بازل، ۲۰۱۲). لیکن این نظارت نمی‌تواند یک نظارت تک بعدی و بدون همکاری نهادهای نظارتی باشد زیرا جوانب گسترده‌ای را شامل می‌شود. هر کدام از نهادهای نظارتی وظایف و مسئولیت‌های خاصی را در فرایند نظارت بر عهده دارند (لسان، ۱۳۹۱). در کشور جمهوری اسلامی ایران نیز نهادهای متعددی در نظارت بر موسسات مالی و اعتباری شکل گرفته است که عبارتند از بانک مرکزی، دیوان محاسبات کشور، سازمان بازرسی کل کشور و سایر نهادهای نظارتی، نظارت هریک از این نهادها بر بانکها، اهرمی قوی در راستای انسجام نظام مالی کشور است که استفاده مناسب، صحیح و به هنگام از این اهرم، ضریب بهره‌وری نظام مالی کشور را بهبود می‌بخشد (الماسی، مرجانی و شهبازی شال، ۱۳۹۰). با وجود چنین نهادهای نظارتی، هر از چند گاهی شاهد اخبار اختلاسها در رسانه‌ها هستیم که شواهد حاکی از آن است که سیستم نظارت در حوزه بانکی کارآمدی کافی را ندارد و ضعف‌هایی در رویه‌های نظارتی بر بانک‌ها وجود دارد، به طوری که نظارت‌های ناکارا در حوزه بانکی، مشکلات خاصی را از جمله ایجاد هزینه اضافی در پاسخگویی بانک‌ها به نهاد نظارتی، افزایش تنش بین بانک‌ها و دستگاه نظارتی در مسائلی هم چون میزان دسترسی نهاد نظارتی به اطلاعات بانک‌ها، عدم اثربخشی گزارش‌های حسابرسی نهاد نظارتی، عدم تمرکز رسیدگی‌های بر حوزه‌های پر ریسک و اتلاف منابع نظارتی را در پی دارد که در نهایت منجر به عدم کارایی و اثربخشی فرآیندهای نظارت می‌شود (علوی و همکاران، ۱۴۰۱). لیکن با توجه به وسعت پژوهش، تمرکز این مطالعه بر حوزه نظارت مالی دیوان محاسبات کشور در بانک‌های دولتی است.

نکته مهم در حوزه نظارت بانکی این است که نظارت باید با توجه به تغییر و تحولاتی که رخ می‌دهد، به روز شود. این دیدگاه که یک ساختار برای نظارت، یک بار و برای همیشه تعیین شود، دیدگاه صحیح نیست. زیرا تغییرات محیطی، اقتصادی، سازمانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بر حوزه‌های نظارت بانکی تأثیر می‌گذارد (توکل و همکاران، ۱۴۰۱). هر سیستم کارایی نظارتی، نیازمند اهداف و مسئولیت‌های مشخص و فعالیت‌های معین برای دستیابی به اهداف تعیین شده است (کمیته بازل، ۲۰۱۲). اگر سیستم نظارت بر بانک دارای اهداف و مسئولیت‌های مشخصی نباشد، به بیراهه خواهد رفت و در مقام ناظر، نمی‌تواند پاسخگوی وظایف خود باشد، چالش اصلی در بحث نظارت بانکی این است که هنوز به روشنی مشخص نیست که اهداف مورد نظر در حوزه نظارت بانکی چیست و بر اساس این اهداف، چه وظایفی بر عهده دیوان محاسبات است (ستوده، ۱۳۹۹). به همین دلیل مفهوم نظارت، اهداف نظارت و وظایف و اختیارات دیوان محاسبات در این حوزه مشخص نیست. لذا یکی از معضلات فعلی دیوان محاسبات کشور مشخص نبود اهداف از نظارت در بخش بانکی است که این معضل مرتبط با وجود اشکالات اساسی در قانون دیوان محاسبات کشور است که در سال ۱۳۹۱ تصویب شده و عملاً مقتضیات زمانی مقطع تصویب قانون، با وضعیت فعلی اقتصاد همخوانی ندارد. برای مثال طبق ماده (۱) قانون دیوان محاسبات کشور، هدف دیوان محاسبات کشور با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی، عبارت است از اعمال کنترل و نظارت مستمر مالی به منظور پاسداری از بیت المال عنوان شده است و مشخص نمی‌باشد که در حال حاضر با توجه به وضعیت فعلی

اقتصاد و اهمیت حفظ ثبات پولی و حفظ ارزش پول ملی در کشور، دیوان محاسبات چه نقشی در دستیابی به این مهم دارد و در برخی از قوانین نیز مواد قانونی وجود دارد که منجر به سوء استفاده بانک‌ها از آنها شده است به طوری که در امر نظارت خلل ایجاد می‌شود. برای نمونه طبق ماده ۴ قانون محاسبات عمومی، "شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شود، مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های دولتی است، شرکت دولتی تلقی می‌شود. همچنین طبق تبصره ذیل ماده مذکور، "شرکت‌هایی که از طریق مضاربه و مزارعه و امثال اینها به منظور به کار انداختن سپرده‌های اشخاص نزد بانکها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه ایجاد شده یا می‌شوند از نظر این قانون شرکت دولتی شناخته نمی‌شوند." مشاهده می‌شود که طبق تبصره ذیل ماده مذکور، کلیه شرکت‌های زیر مجموعه بانکها که بیش از صد درصد آن متعلق به بانک است، جزء شرکت‌های دولتی محسوب نمی‌شوند و بسیاری از بانک‌ها از این ضعف قانونی استفاده نموده و به طرق مختلف منابع خود را به سمت شرکت‌های زیر مجموعه خود سوق می‌دهند به طوری که آن شرکت‌ها به حیاط خلوت بانک‌ها تبدیل شده است (نیکخو و همکاران، ۱۴۰۱).

در مطالعات مختلف، تاثیر قوانین و مقررات بر نظارت بر موسسات مالی و اعتباری، مورد بررسی قرار گرفته است و برخی از مطالعات نیز تاثیر نظارت را بر جنبه‌های عملکردی و ریسک‌پذیری بانک‌ها مورد بررسی قرار داده‌اند. در مطالعاتی نیز تاکید ویژه‌ای بر جنبه‌های دیگری از نظارت، نظیر قدرت ناظر، نظم بازار و تاثیر آن بر محدودیت‌های فعالیت‌های بانکی شده است (پاسورس، تانا و زو پونی دیس، ۲۰۰۹). با توجه به اینکه نظارت در بخش بانکی توسط چندین نهاد نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات، بانک مرکزی و سازمان حسابرسی انجام می‌شود لذا تداخل وظایف این نهادها و عدم هماهنگی آنها در موضوعات نظارت، منجر به این شده است که عملاً دستگاه‌های اجرایی در برخی از موارد دچار سردرگمی شوند و برای یک موضوع خاص همزمان به چندین دستگاه نظارتی پاسخگو باشند که همین امر باعث می‌شود تا منابع نرم افزاری و سخت افزاری دستگاه مورد رسیدگی تلف گردد و کارایی عملیات دستگاه اجرایی کاهش یابد که این امر در برخی از پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است، برای نمونه در پژوهشی، تاثیر نظام‌های نظارت مالی بر کارایی بانک‌ها مورد توجه قرار گرفته است و عنوان شده است که چنین نظارتی، تاثیر قابل توجهی بر کارایی بانکها دارد (گاگانیس و پاسورس، ۲۰۱۳)، از سوی دیگر برای یک موضوع که می‌توانست توسط یک نهاد ناظر مورد رسیدگی قرار گیرد، عملاً چندین نهاد ناظر، نیروهای خود را صرف انجام یک موضوع می‌نمایند که در نهایت منجر به اتلاف منابع دستگاه‌های نظارتی نیز می‌شود که در بخش نظارت بر بانک‌ها این موضوع به ساختار نظارتی یکپارچه معرف است. پلگرینی و ماسینا دورا (۲۰۰۷) اشاره نموده‌اند که ساختار نظارتی یکپارچه می‌تواند: (۱) همکاری مناسبی بین عملکرد و تخصص‌های نظارتی مختلف را ایجاد نماید (۲) کنترل‌های تکراری و شکاف‌های نظارتی را برطرف نماید (۳) منجر به ایجاد تولید در مقیاس در منابع نهاد‌های نظارتی شود و (۴) در نهایت منجر به افزایش تلاش و مسئولیت‌پذیری ناظران گردد. با این وجود، چندین استدلال در برابر رویکرد یکپارچه در نظارت وجود دارد. به

عنوان مثال، دمستری و گوریو (۲۰۰۵) بحث مفصلی از جمله مشکلات خطر اخلاقی را به دلیل "اثر درخت کریسمس" بیان نموده‌اند. اثر درخت کریسمس اشاره به نظارت‌های ناهمگون در نظام بانکی دارد که در ساختارهای نظارتی رشد پیدا می‌نماید (همان، ۲۰۰۵). در وضعیت فعلی، آنچه که بسیاری از دستگاه‌های اجرایی از جمله بانک‌ها را آزار می‌دهد، تعدد نهادهای نظارتی هستند که بدون هماهنگی با یکدیگر، فعالیتهای نظارتی موازی را انجام می‌دهند که همین امر منجر به صرف هزینه مضاعف در پاسخگویی برای بانک‌ها می‌شود، از سوی دیگر هنگامی که یک موضوع توسط چندین نهاد نظارتی مورد بررسی قرار می‌گیرد، منجر به اتلاف منابع محدود نهادهای نظارتی نیز می‌شود. در بسیاری از موارد تعدد نهادهای نظارتی مانع از نظارت کارا می‌شود. گسترش نهادهای نظارتی با ایجاد هزینه‌های مختلف، از کارایی آنها کاسته و آنها را به صورت ابزارهایی ناکارآمد در می‌آورد (وقفی، ۱۳۹۶). نهادهای نظارتی با توجه به دستورات دریافتی از مسئولین و با توجه به امکانات و نیروی انسانی موجود خود به ایجاد رسیدگی‌های کاذب، بدون هدف و بدون نظر گرفتن سطح اهمیت موضوع اقدام می‌کنند تا وجود خود را توجیه نمایند و کارها را آنقدر گسترده می‌سازند تا زمان و امکانات آنها هماهنگ شود. بنابراین توجه به نظارت‌های یکپارچه، منظم و با هدف در سیستم بانکی بسیار حائز اهمیت است که می‌تواند مانع از اتلاف منابع نظارتی شود.

سیستم بانکی، بستر اقتصادی بسیاری از کشورها را شکل می‌دهد زیرا این بخش فرآیند گردش پول را در سایر حوزه‌های اقتصاد تضمین می‌کند. با وجود اینکه که نمی‌توان از عملکرد حیاتی بانک‌ها به عنوان تغییر در توسعه اقتصادی چشم پوشی نمود، اما به خاطر وجود ریسک ذاتی تقلب در این صنعت و سایر فعالیت‌های غیر مولد بانک‌ها، توانایی‌های آنها در فرآیند تزریق پول هدفمند به سایر بخش‌های اقتصادی کاهش می‌یابد. با افزایش تقلب در حوزه بانک‌ها، نظارت یکپارچه در این بخش لازم است. (ادویی، ۲۰۱۷). در حالی که سیستم‌های کنترل داخلی، سیاست‌ها و رویه‌هایی را برای جلوگیری از تقلب طراحی می‌کند، با این وجود، تقلب به عنوان یکی از تهدیدات اصلی رشد و توسعه بخش بانکی شناخته می‌شود. بنابراین تمرکز و نظارت بر فرایندهای کنترل‌های داخلی در بانک‌ها، بسیار اهمیت دارد (کونن، ۲۰۰۸). یکی از معضلات فعلی نظارت در بخش بانکی، عدم رسیدگی به فرایندهای کنترل‌های داخلی بانک‌ها در فعالیت‌های اصلی آن از جمله ارائه خدمات بانکی، اعطای تسهیلات و تعهدات و سایر موارد با اهمیت است. بنابراین عدم نظارت صحیح بر کنترل‌های داخلی بانک‌ها و عدم تمرکز بر فرایندهای اعطای تسهیلات و تعهدات بانک‌ها، منجر به افزایش مطالبات غیر جاری بانک‌ها، طی چند سال گذشته شده است که این امر نیز منجر به راکد ماندن منابع پولی کشور گردیده و صدمات جبران‌ناپذیری بر تولید و اشتغال وارد نموده است. بنابر این عدم رسیدگی مبتنی بر ریسک و عدم تمرکز بر فرایندهای عملیاتی بانک‌ها، منجر به ناکارایی‌هایی در امر نظارت بر بانکها شده است.

یکی از مدل‌های نظارت بر بانک‌ها، نظام نظارت مالی است که به منظور ایجاد نظم و انضباط مالی، طراحی، تدوین و به موقع اجرا می‌شود. در فرآیند نظارت مالی، نظارت بر قانون بودجه چه از حیث مصرف اعتبارات و چه از نظر دستیابی به اهداف مندرج در قوانین توسط دیوان محاسبات کشور انجام می‌شود. این نهاد نظارتی در راستای انجام وظایف و مسئولیت‌های قانونی خود از سازوکارهای حسابرسی رعایت، حسابرسی مالی، حسابرسی

عملیاتی، تهیه گزارش تفریغ بودجه، تنظیم نامه های اقدام نهایی و واخواهی، ارسال گزارش های تخلف به دادسرای دیوان محاسبات کشور، صدور رای توسط هیات های مستشاری برای تخلفات ناشی از اجرای قوانین و مقررات مالی و محاسباتی کشور، اقدامات پیشگیرانه، تعامل با دستگاه های اجرایی، حسابرسی ضمنی و همچنین تذکرات کتبی و شفاهی استفاده می نماید (زارعی متین، جندقی و حاجی احمدی قمی، ۱۳۹۲)، ضرورت و اهمیت انجام پژوهش را می توان از منظرهای زیر مورد توجه قرار دارد. در مطالعاتی داخلی در خصوص نظارت دیوان محاسبات، پژوهش های انجام شده است برای نمونه می توان به پژوهشهای، آذر و حبشی (۱۳۹۶) با عنوان "ارائه الگوی موثر برای حسابرسی بخش عمومی دیوان محاسبات"، حیدری و الماسی (۱۳۹۶) با عنوان "بررسی تاثیر گزارش تفریغ بودجه دیوان محاسبات کشور"، نیک بخت و موسوی سنگ چشمه (۱۳۹۱) با عنوان "بررسی موانع و مشکلات دیوان محاسبات در حسابرسی دستگاه های دولتی از دیدگاه مدیران مالی و ذیحسابان" اشاره نمود. اکثر پژوهش های انجام شده اولاً بر اساس رویکرد کمی انجام شده است و ثانیاً هیچ یک از این مطالعات توجه خاصی بر روی یک بخش خاص و معضلات و ضعفهای نظارت در آن بخش را مورد توجه قرار نداده است لذا انجام این پژوهش می تواند راهگشایی برای رفع ضعف های دیوان محاسبات در نظارت در بخش بانکی باشد. همچنین این رساله اولاً مبتنی بر رویکرد کیفی و ثانیاً با ارائه چارچوب نظارت مالی، اولین مطالعه ای است که به ارائه یک چارچوب جامع نظارت دیوان محاسبات در بخش بانکی پرداخته است و با توجه به اینکه در حال حاضر پژوهشی در خصوص نظارت دیوان محاسبات در بخش بانکی نیز انجام نشده است لذا انجام این مطالعه می تواند زمینه ساز ایجاد پژوهشهای آتی در حوزه های نظارت تخصصی دیوان محاسبات در بخش های مختلف باشد. بدون نظارت بر عملکرد دستگاه اجرایی از جمله بانک ها که قدرت خلق پول را دارند، برنامه ریزی و هدایت در آن واحدها، دچار نقصان خواهد شد. فقط با نظارت است که برنامه ریز، به صحت عملکرد و انطباق آن با برنامه پی خواهد برد. نظارت دیوان محاسبات کشور در حوزه بانکی نیز بسیار حائز اهمیت است، زیرا با نظارت دقیق، مستمر، پیشگیرانه و مقتدرانه بر این حوزه، انضباط مالی و پولی در این بخش در راستای سیاست های کلان اقتصادی و اسناد و قوانین بالادستی حفظ خواهد شد.

بنابراین نتایج این پژوهش می تواند در این حوزه نیز بسیار با اهمیت باشد، آنچه که این پژوهش را می تواند با اهمیت سازد، این امر می باشد که یک نظام اسلامی می بایست، در راستای کنترل و نظارت بر کلیه اعمال و افعال صورت گرفته در جامعه با یک نظام مدیریتی قوی و نظارت مبتنی بر قانون، بر عملکرد دستگاه های اجرایی، نظارت و کنترل کامل داشته باشد تا در سایه اجرای عدالت و حسن نظارت و عمل به قانون، امنیت و سلامت جامعه را تامین نماید (محمود آبادی، ۱۳۸۹). بنابراین بدون نظارت نمی توان انتظار داشت تا نظام مدیریتی قوی در جامعه ایجاد شود. لذا این موضوع به بخش های خاصی از جمله نظارت در بخش بانکی نیز قابل تسریع است بنابر این مطالعه حاضر می تواند زمینه ساز ایجاد روش های مناسب نظارت دیوان محاسبات در بخش بانکی گردد، در نهایت می توان انتظار داشت که منجر به کاهش اتلاف منابع نظارتی، کاهش تنش بین دستگاه اجرایی و دیوان محاسبات، افزایش کارایی و اثربخشی نظارت در بخش بانکی شود. صحت و سلامت عملکرد نظام بانکی، برای حفظ ثبات نظام پولی و منافع سپرده گذاران، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. قطعاً نظارت دقیق و صحیح بر سیستم

بانکی، یکی از مهمترین عوامل حفظ صحت و سلامت عملکرد نظام بانکی است. اهمیت نظارت و قانون گذاری صحیح و مناسب در نظام بانکی با توجه به شرایط فعلی و تاثیر مثبت آن بر ایجاد فضای امن مالی و پولی بر هیچ شخصی پوشیده نیست. برقراری چنین فضایی از مهمترین ملزومات ثبات اقتصادی است که می تواند در پیشگیری از تخلفات در نظام بانکی کمک قابل توجهی نماید (بنستون و همکاران، ۱۹۸۹). مسلما بدون نظارت دقیق و صحیح بر سیستم بانکی نمی توان انتظار داشت که نظام پولی با ثبات و منافع سپرده گذاران حفظ گردد لذا بررسی ضعف های نظارت دیوان محاسبات در بخش بانکی و نیز ارائه یک چارچوب برای نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی می تواند نه تنها در راستای اهداف دیوان محاسبات که همانا پاسداری از بیت المال است، مفید واقع شود بلکه از سوی دیگر می تواند منجر به افزایش پاسخگویی بانک ها در قبال وظایف محوله و نیز افزایش کارایی آنها در اجرای قوانین و مقررات مرتبط شود، بدون نظارت نمی توان انتظار داشت که مفهومی به معنای پاسخگویی در جامعه ایجاد شود و بدون نظارت در حوزه بانکی نمی توان اطمینان یافت که فرصتهای اختلاس کاهش یابد. در بندهای ۷ و ۸ فرمان هشت ماده ای رهبر معظم انقلاب اسلامی به سران سه قوه در سال ۱۳۸۰ در خصوص مبارزه با فساد چنین بیان شده است، در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچکس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمی تواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد. با این امر مهم و حیاتی نباید بگونه‌ی شعاری و تبلیغاتی و تظاهر گونه رفتار شود. بجای تبلیغات باید آثار و برکات عمل، مشهود گردد. به دست اندرکاران این مهم تاکید کنید که بجای پرداختن به ریشه ها و ام الفساد ها به سراغ ضعفا و خطاهای کوچک تروند و نقاط اصلی را رها نکنند. هر گونه اطلاع رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید بدور از اظهارات نسجیده و تبلیغات گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد براین اساس پژوهش در راستای تقویت نظام نظارت در بخش بانکی که درگیر مسائل مبتلا به هست، بسیار حائز اهمیت است. امروزه فساد مالی و مقابله با آن به عنوان موضوع بسیار با اهمیت در اقتصاد هر کشوری شناخته می شود، فساد مالی با توجه به موقعیت های مختلف و فرهنگ های متفاوت، آسیب های مختلفی بر جوامع وارد می نماید (رایت و کریستنسن، ۲۰۱۰)، تجربه های تاریخی نشان می دهد که هر کجا که بحران اقتصادی و اختلاس هایی به وجود آمده، اقتصاددانان و افکار عمومی، انگشت اتهام خود را به سمت نهاد نظارتی می گیرند و تمام یا بخشی از مشکل را متوجه نهاد ناظر و ساز و کارهای نظارت می نمایند. همچنین تحولات عمیق در قوانین و مقررات راجع به بانکداری، پس از بحران های مالی، ایجاد شده است و حتی زمانی که بانک ها ورشکسته می شوند و توان پاسخگویی به سپرده گذاران خود را ندارند، نگاه ها به سمت نهاد نظارت سوق پیدا می کند (انگلت، ۱۹۷۸-۱۹۷۹). با این اوصاف، نمی توان به نظارت و فرآیندهای حاکم بر آن، ساده نگریست زیرا عدم کارایی نظارت، اثرات اجتماعی مخربی به دنبال دارد. نگاهی به تاریخ تحولات ساختار نظارتی در کشورهای مختلف نشان می دهد که پیشرفت های تکنولوژیک، بحرانهای مالی و تحولات اقتصادی سیاسی، پیشرانها و موجبات اصلی هستند که گاهی کشورها را به بازنگری در ساختار تنظیم و نظارت در بخش مالی، وامی دارند. بخش مالی هر کشور شامل بازیگران، بازارها، نهادها و چهارچوب های حقوقی و مقرراتی می باشد که در کنش با یکدیگر، امکان جریان یافتن،

هدایت، تبادل و تخصیص دارایی‌های مالی را در اقتصاد آن کشور فراهم می‌آورند. چالش‌های مهمی که در مقابل مقامات قانونگذار هر کشور خصوصاً در حوزه ساختار نظارتی در بخش مالی قرار دارد، نخست و پیش از هر چیز، گزینش ساختار نظارتی مناسب است (سپهوند، ۱۳۸۹). این موضوع در مسئله موسسات غیر مجاز و ساماندهی آنها بسیار قابل لمس بود. با افزایش دامنه بحران در موسسات مالی غیرمجاز، اهمیت نظارت قبل از ایجاد بحران نمود پیدا کرد و همین امر باعث درگیر شدن بسیاری از نهادها از جمله مجلس شورای اسلامی، دیوان محاسبات و سازمان بازرسی کشور شد، لذا آنچه که در این مطالعه می‌تواند اهمیت داشته باشد این موضوع است که نظارت‌های مستمر و قبل از بحران و راهکارهای حاصل از نتایج این پژوهش می‌تواند کمک شایانی در پیشگیری از وقوع چنین رویدادهایی باشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر براساس اهداف پژوهش، از نوع کاربردی؛ روش انجام آن توصیفی-پیمایشی؛ و روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای-میدانی است. این پژوهش دارای رویکرد آمیخته بوده و از روش نظریه داده بنیاد به عنوان روش اصلی پژوهش استفاده می‌کند. روش گراندد تئوری یا نظریه داده بنیاد یک شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن با استفاده از یک دسته داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. پژوهش حاضر در بخش نخست با استفاده از روش نظریه پردازی برخاسته از داده‌ها (GT¹) انجام خواهد شد. این روش توسط استراس و کوربین ابداع گردید و به معنای روشی است که بر اساس و پایه داده‌ها به تولید نظریه می‌پردازد. داده‌هایی که برای تشریح فرایندها جمع‌آوری می‌شود، شامل انواع داده‌های کیفی از جمله مشاهدات، گفت و شنودها، مصاحبه‌ها، اسناد دولتی و تأملات شخصی پژوهشگر می‌شود (کرسول، ۲۰۰۵). در این روش، تمامی محتوا یا داده‌هایی که به نحوی با موضوع مورد مطالعه در ارتباط می‌باشند، منبعی برای اطلاعات محسوب می‌شوند. در این راستا، گام اصلی، مشخص کردن تکنیک‌های گردآوری اطلاعات است. ارائه یک نظریه برخاسته از داده‌ها، مستلزم جمع‌آوری و تحلیل همزمان و زنجیروار داده‌ها است. نمونه‌گیری نظری در این روش، بدین معنا است که داده‌ها به گونه‌ای جمع‌آوری می‌شوند که برای تولید یک نظریه، مفید باشند. در پژوهش حاضر، با استفاده از این روش و طی فرایند مستمر جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی داده‌ها از طریق مصاحبه، به تدوین مدل پرداخته شد. شایان ذکر است که پژوهشگر در این مصاحبه‌ها به دنبال شناسایی چالش‌های موجود، مزایا، مولفه‌ها و آرایه مدل در خصوص پیاده سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی بوده است. در نمونه‌گیری نظری، گردآوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها، اقداماتی هستند که به شدت به یکدیگر وابسته می‌باشند و می‌بایست به صورت متناوب انجام گیرند؛ زیرا تحلیل، نمونه‌گیری از داده‌ها را هدایت می‌کند (کرسول، ۲۰۰۵). در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری بدین گونه آغاز می‌شود که ابتدا افرادی که به لحاظ اجرایی و علمی با پژوهش مرتبط بودند، شناسایی گردند. ذکر این نکته ضرورت دارد که در زمینه مالی و حسابرسی، اساتید و مدیرانی که شناخت کافی نسبت به مؤلفه‌های

1 Grounded theory

2 Creswell

مربوطه دارند و دارای تجربه اجرایی یا سابقه پژوهشی در این راستا بودند، انتخاب می‌شوند. لازم به ذکر است اشخاصی که ویژگی‌های لازم را در هر دو زمینه داشتند، در اولویت بالاتری برای مصاحبه قرار می‌گیرند. نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها ادامه خواهد یافت. در ادامه و پس از تکمیل مصاحبه‌ها، اطلاعات به دست آمده مقوله‌بندی شده و سپس، داده‌ها از طریق مرتبط کردن سیستماتیک مقوله‌ها در یک مدل، به طور مجدد مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. پس از طراحی مدل پیاده‌سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی، در مرحله دوم پژوهش به منظور بررسی برازش مدل و انجام تجزیه و تحلیل‌های لازم از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار SPSS و Amos بهره گرفته شد.

در تحقیق کیفی مصاحبه زمانی جمع آوری داده‌ها متوقف می‌شود که اطلاعات در باره ابعاد مورد پژوهش اشباع شود و این موضوع هنگامی به وقوع می‌پیوندد که موضوع مورد مطالعه کامل شود و اطلاعات جدیدی مرتبط با موضوع به دست نیاید با این توضیح در پژوهش کیفی، حجم نمونه مترادف با اشباع داده‌ها قرار دارد. بنابراین در پژوهش حاضر تعداد نمونه‌های انتخاب شده برابر ۱۵ نفر از خبرگان دیوان محاسبات با حداقل ده سال سابقه کار و آشنا که مطلع و آگاه در حوزه‌های موضوع پژوهش بودند قرار داده شد. با انجام این تعداد مصاحبه تشخیص پژوهشگر این بوده است که اطلاعات گردآوری شده به نقطه اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های بیشتر نیست. در نهایت داده‌های جمع آوری شده با استفاده از تحلیل داده بنیاد مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها و مفاهیم حاصله مورد مطالعه در جداول کدگذاریها به منظور انتخاب مفاهیم اصلی و مقوله‌های محوری بارگذاری شده است. در این مرحله با بهره‌مندی از مفاهیم که از داده‌های کدگذاری باز بدست آمده است محقق با مطالعه و بررسی آنها و توزیع مجدد داده‌ها به مصاحبه شونده‌ها از طریق تماس و حضور مستقیم، داده‌ها و اطلاعات جمع آوری شده مورد بررسی مجدد قرار گرفته و با تعدیل و اصلاحات و اخذ نظر کارشناسی آنان و شماری از خبرگان مطلع، اطلاعات در جدول کدگذاری محوری با عنوان مولفه قرار داده شد. مرحله کدگذار محوری اساس آن بر ارتباطات مقوله‌ها به زیر مقوله‌ها است که با شش رویکرد داده بنیاد ارتباط داده می‌شود.

یافته‌های تحقیق

پدیده محوری / هسته: اتفاق یا واقعه ای است که جریان کنش‌ها و واکنش‌ها به سوی آن رهنمون می‌شوند تا آن را اداره، کنترل و یا به آن پاسخ دهند. این شرایط اشاره به وقایع اصلی دارد که یک سلسله کنش‌ها و واکنش‌های متقابل برای کنترل یا اداره کردن آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود. با بررسی مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با پیاده‌سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی بعنوان پدیده‌ی محور شناخته شده است.

شرایط علی: این شرایط باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری میشوند. منظور به شرایطی اشاره دارد که تاثیر مهم و اصلی بر پیاده‌سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی دارد که در این شرایط مورد بررسی واقع می‌شود. شرایط راهبردی/کنشها و تعاملات: رفتار و فعالیتهای هدفداری هستند که در پاسخ به مقوله

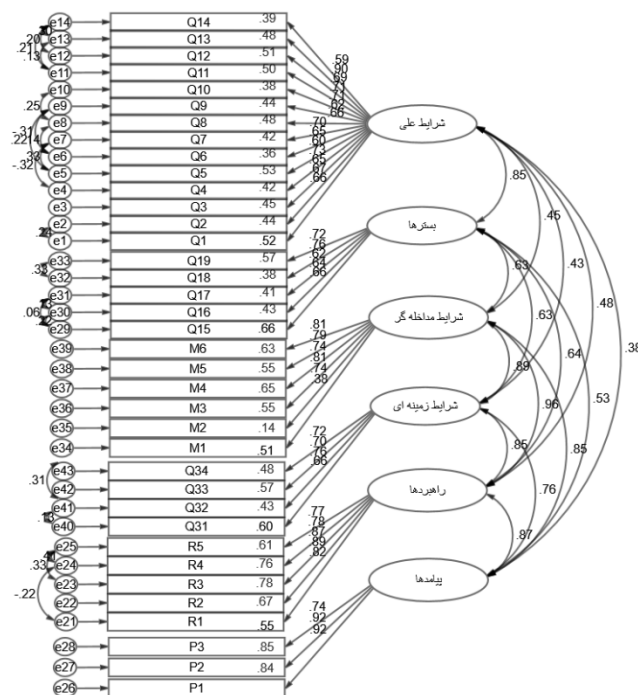
محوری و متأثر از شرایط مداخله‌گر ایجاد می‌گردند. راهبردها کنش و واکنش های متقابلی هستند که از پدیده محوری ناشی می‌شود و هدف آن ارائه راهکارهایی برای مواجهه با پدیده محوری می‌باشد. شرایط زمینه‌ای/حاکم: شرایط خاصی که بر راهبردها تاثیر می‌گذارند. این شرایط اشاره به یک سری ویژگیهای دارد که به پدیده ای دلا لت دارد به عبارت دیگر محل حوادث یا وقایع با پدیده ای در طول یک بعد است که در آن کنش متقابل برای کنترل اداره و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد. شرایط واسطه‌ای/مداخله‌گر: شرایط ساختاری که راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آنها را محدود و مقید می‌کنند. بر شرایط اطلاق می‌شود که بر راهبردها تاثیر می‌گذارند. نتایج و پیامدها: برخی مقوله‌ها بیانگر نتایج و پیامدهایی است که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آید. پیامدها، خروجی های حاصل از بهره مندی از راهبردها می‌باشند. ارزیابی برازش الگوی نهایی پیاده سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی: در این قسمت ابتدا و پیش از ارزیابی مدل ساختاری ارائه شده، لازم است، معناداری وزن رگرسیونی (بار عاملی) سازه‌های مختلف در پیش‌بینی گویه‌های مربوطه، بررسی شده تا از برازندگی مدل‌های اندازه‌گیری و قابل قبول بودن نشان‌گرهای آن‌ها در اندازه‌گیری سازه‌ها اطمینان حاصل شود. این مهم، با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی و نرم‌افزار AMOS به انجام رسید. بعد از آنکه هریک از مدل‌های اندازه‌گیری به‌طور جداگانه بررسی شدند مدل اندازه‌گیری کلی نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. نرمال بودن داده‌ها در نرم افزار آموس به وسیله دو شاخص کشیدگی و کجی سنجیده می‌شود. محققان مقادیر این دو شاخص را جهت نرمال بودن داده‌ها در بهترین حالت بین (۱ و -۱) می‌دانند.

جدول ۱. کشیدگی و چولگی مولفه های الگوی نهایی

	نماد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	چولگی S/E	کشیدگی SE
شرایط علی	Q1	2.500	0.971	0.107	-0.329	0.648	-1.002
	Q2	2.757	0.911	-0.089	0.054	-0.541	0.166
	Q3	3.005	0.953	0.023	-0.048	0.140	-0.145
	Q4	2.683	1.063	-0.013	-0.706	-0.078	-1.153
	Q5	2.830	1.053	-0.085	-0.552	-0.516	-1.683
	Q6	2.963	0.978	0.104	-0.284	0.629	-0.865
	Q7	2.927	1.071	-0.035	-0.277	-0.210	-0.845
	Q8	2.693	1.030	-0.095	-0.894	-0.574	-1.725
	Q9	2.633	1.062	0.055	-0.772	0.333	-1.352
	Q10	2.761	1.024	-0.183	-0.762	-1.108	-1.323
	Q11	2.665	1.017	-0.138	-0.576	-0.837	-1.756
	Q12	2.835	1.091	-0.140	-0.537	-0.853	-1.637

	نماد	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	چولگی S/ E	کشیدگی/ SE
	آموزش حضوری در شعب بانک	Q13	2.642	1.003	-0.203	-0.678	-1.230
	ارائه خدمات مشاوره ای	Q14	2.697	1.002	-0.083	-0.345	-0.503
بسترها	آمادگی فرهنگی کارکنان بانک ها	Q15	2.830	0.928	-0.040	-0.125	-0.243
	زیرساخت فناوری اطلاعات	Q16	2.881	0.903	-0.293	0.200	-1.777
	تخصص گرایی	Q17	2.729	0.995	-0.255	-0.529	-1.548
	سازماندهی در سطح کلان بانک	Q18	2.615	1.046	0.094	-0.414	0.571
	خلق شبکه ارزش جهت تامین خدمات	Q19	2.904	0.953	0.033	-0.222	0.200
مداخله گر	در سطح قانون	M1	2.846	0.924	0.105	-0.215	0.636
	در سطح جامعه	M2	3.264	0.816	-0.082	0.006	-0.495
	در سطح قوا	M3	3.468	0.849	-0.098	-0.167	-0.598
	در سطح بانک	M4	3.454	0.989	-0.377	-0.146	-1.288
	در سطح دیوان محاسبات	M5	3.319	0.848	0.015	-0.720	0.093
	در سطح منابع نظارتی	M6	3.278	0.806	0.076	-0.505	0.464
زمینه ای	نهادهای غیررسمی در شبکه بانکی	Q31	3.243	0.875	-0.120	0.096	-0.729
	جایگاه تامین مالی در سیاستهای بانکی	Q32	3.275	0.978	-0.159	-0.080	-0.962
	محدودیت های محیطی	Q33	3.330	0.936	-0.127	-0.179	-0.768
	آگاهی و تخصص کارکنان و مدیران	Q34	3.312	0.962	-0.316	-0.130	-1.919
راهنمها	استقلال مالی	R1	3.357	0.713	0.120	-0.365	0.728
	استقلال عملیاتی	R2	3.385	0.716	-0.187	0.025	-1.134
	اصلاح قوانین	R3	3.256	0.752	-0.243	0.417	-1.472
	فرآیند های حسابرسی	R4	3.518	0.918	-0.176	-0.300	-1.069
	سیستم نظارتی درون دیوان	R5	3.359	0.839	-0.220	0.285	-1.337
پیامدها	ارتقا شفافیت	P1	3.465	0.853	-0.137	-0.501	-0.834
	ارتباط موثر	P2	3.445	0.857	-0.336	-0.150	-1.038
	حسابرسی جامع	P3	3.235	0.789	-0.008	-0.493	-0.046

منبع: یافته های پژوهشگر



(χ^2 /df)	((RMR))	(CFI)	(RMSEA)	(GFI)	(NFI)
از ۳ کمتر	زیر ۰/۰۵	۰/۹ به بالا	زیر ۰/۰۸	۰/۹ به بالا	۰/۹ به بالا
۱/۸۷۹	۰/۰۵	۰/۹۱۶	۰/۰۶۴	۰/۸۰۶	۰/۹۳۹

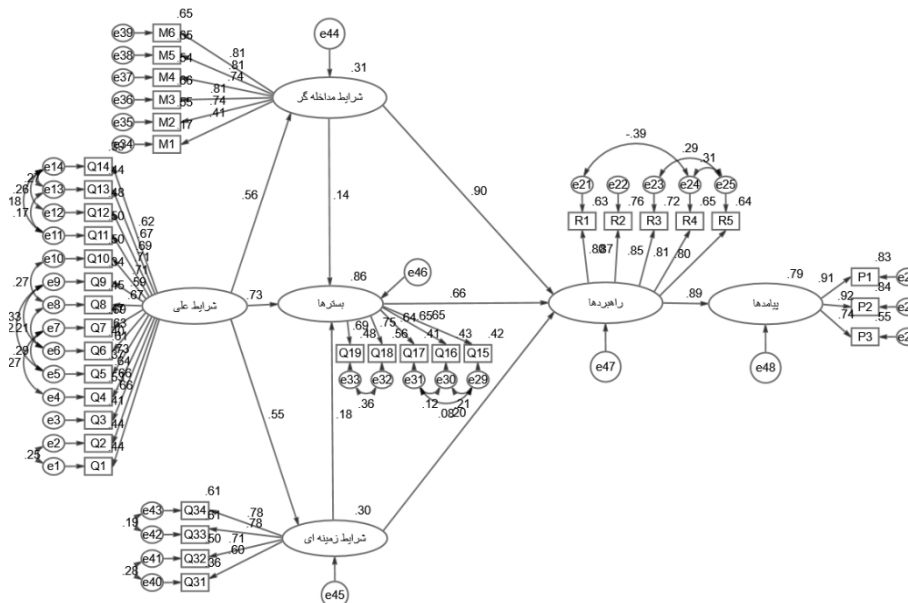
شکل ۱. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای الگوی نهایی.

منبع: یافته های پژوهشگر

بارهای عاملی گویه ها نشاندهنده این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص های آن از واریانس خطای اندازه گیری آن سازه بیشتر بوده و پایداری در مورد مدل اندازه گیری کلی قابل قبول است چرا که بارهای عاملی تمامی سازه ها بیش از ۰/۵ و در حد قابل قبولی بود و همچنین پی مقدار آنها کمتر از ۰/۰۱ بوده است و موید این مطلب بوده که تمامی گویه ها تاثیر معناداری در اندازه گیری سازه های خود دارند. برای بهبود شاخص های برازش مدل، مدل اصلاح شده و بین برخی مولفه ها همبستگی لحاظ شده است. در قسمت نیکویی برازش مدل مشاهده می شود که شاخص کای اسکوتر بهنجار برای مدل مورد نظر ۱/۸۷۹ است که مقداری مناسب و قابل قبول است. شاخص برازش تطبیقی یا CFI و شاخص NFI نیز در حد مطلوب و بیش از ۰/۹ بوده و بر برازش مطلوب و مناسب مدل دلالت دارد. شاخص ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا RMSEA و RMR نشان گر

قابل قبول بودن مدل می‌باشد. اما شاخص GFI ۰/۸۰۶ برآورد شده که کمتر از ۰/۹ بوده و اندکی کمتر از حد قابل قبول خود می‌باشد اما به استناد سایر شاخص‌ها که همگی در حد قابل قبولی بوده‌اند و همچنین شاخص‌های TLI و IFI که به ترتیب ۰/۹۰۲ و ۰/۹۱۸ گزارش شده و بیش از ۰/۹ بوده کیفیت مدل اندازه‌گیری کلی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. بنابراین، برازش مطلوب و مناسب مدل اندازه‌گیری پیاده‌سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی تایید می‌شود.

این شاخص‌ها نشان از با توجه به برازش مطلوب مدل‌های اندازه‌گیری و معناداری بارهای عاملی هر متغیر مشاهده‌شده به متغیر مکنون مربوطه در ادامه مدل کلی تحقیق برازش می‌یابد. در شکل زیر مدل اولیه که با استفاده از نظرات کارشناسان و نخبگان و همچنین پژوهش‌های پیشین و همچنین با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی طراحی شد مشاهده می‌شود.



(χ^2 /df)	((RMR)	(CFI)	(RMSEA)	(GFI)	(NFI)
از ۳ کمتر	زیر ۰/۰۵	۰/۹ به بالا	زیر ۰/۰۸	۰/۹ به بالا	۰/۹ به بالا
۱/۸۹۷	۰/۰۵۰	۰/۹۱۴	۰/۰۶۴	۰/۸۰۲	۰/۹۳۶

شکل ۲. مدل کلی تحقیق.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانگونه که در شکل فوق مشهود است مجذور کای دو به درجه آزادی ۱/۸۹۷ برآورد شده که کمتر از ۳ است و نشان از برازش منطقی و مناسب مدل دارد. همچنین ضرایب CFI و NFI نیز بیش از ۰/۹ بوده اند و گویای این مطلب هستند که مدل مناسب است. RMSEA کمتر از ۰/۰۸ و RMR نیز کمتر مساوی ۰/۰۵ است هر دو در سطح مناسب خود می باشند. اما شاخص GFI کمی از حد مطلوب خود پایین تر بوده است. که به استناد سایر شاخص ها که در حد مطلوب هستند، کیفیت مدل طراحی شده تایید می شود و می توان با اطمینان از اطلاعات مدل طراحی شده استفاده نمود. در جدول زیر نیز ضرایب مسیر مدل ها و مقدار T مربوط به آزمون معناداری این ضرایب ملاحظه می شود.

جدول ۲. آماره T مسیرهای مدل

شرایط علی		نماد	بارعاملی	آماره تی	پی مقدار
شرایط علی	<	مداخله گر	0.561	4.815	<۰.۰۰۱
شرایط علی	<	زمینه ای	0.547	5.337	<۰.۰۰۱
شرایط علی	<	بسترها	0.727	6.621	<۰.۰۰۱
شرایط زمینه ای	<	بسترها	0.181	2.518	0.012
شرایط مداخله گر	<	بسترها	0.145	2.129	0.033
بسترها	<	راهبردها	0.66	6.464	<۰.۰۰۱
شرایط زمینه ای	<	راهبردها	0.204	3.327	<۰.۰۰۱
شرایط مداخله گر	<	راهبردها	0.904	5.788	<۰.۰۰۱
راهبردها	<	پیامد	0.891	13.641	<۰.۰۰۱
شرایط علی	کیفیت خدمات	Q1	0.663		<۰.۰۰۱
	ثبات	Q2	0.661	10.199	<۰.۰۰۱
	یکپارچه کردن مفاهیم نظارت	Q3	0.637	8.508	<۰.۰۰۱
	قیمت رقابتی	Q4	0.726	9.5	<۰.۰۰۱
	شخص سازی ارزش پیشنهادی	Q5	0.608	8.123	<۰.۰۰۱
	تکنولوژی پیشرفته	Q6	0.63	8.398	<۰.۰۰۱
	نوآوری	Q7	0.687	9.042	<۰.۰۰۱
	استقلال رای هیات های مستشاری	Q8	0.672	8.886	<۰.۰۰۱
	ویژگی های فردی حسابرس	Q9	0.586	7.868	<۰.۰۰۱
	دانش صنعت مشتری	Q10	0.706	9.3	<۰.۰۰۱
	تخصص در حوزه معین	Q11	0.706	9.295	<۰.۰۰۱
	انعطاف پذیری در کارمزد	Q12	0.695	9.176	<۰.۰۰۱
	آموزش حضوری در شعب بانک	Q13	0.666	8.825	<۰.۰۰۱

پی مقدار	آماره تی	بارعاملی	نماد		
<۰.۰۰۱	8.324	0.625	Q14	ارائه خدمات مشاوره ای	بسترها
<۰.۰۰۱		0.648	Q15	آمادگی فرهنگی کارکنان بانک ها	
<۰.۰۰۱	9.272	0.654	Q16	زیرساخت فناوری اطلاعات	
<۰.۰۰۱	8.493	0.644	Q17	تخصص گرایی	
<۰.۰۰۱	9.068	0.746	Q18	سازماندهی در سطح کلان بانک	
<۰.۰۰۱	8.541	0.693	Q19	خلق شبکه ارزش جهت تامین خدمات	
<۰.۰۰۱		0.411	M1	در سطح قانون	مداخله گر
<۰.۰۰۱	5.927	0.743	M2	در سطح جامعه	
<۰.۰۰۱	6.088	0.813	M3	در سطح قوا	
<۰.۰۰۱	5.914	0.737	M4	در سطح بانک	
<۰.۰۰۱	6.076	0.808	M5	در سطح دیوان محاسبات	
<۰.۰۰۱	6.076	0.808	M6	در سطح منابع نظارتی	
<۰.۰۰۱		0.6	Q31	نهادهای غیررسمی در شبکه بانکی	زمینه ای
<۰.۰۰۱	9.039	0.705	Q32	جایگاه تامین مالی در سیاستهای بانکی	
<۰.۰۰۱	6.756	0.78	Q33	محدودیت های محیطی	
<۰.۰۰۱	6.746	0.778	Q34	آگاهی و تخصص کارکنان و مدیران	
<۰.۰۰۱		0.797	R1	استقلال مالی	راهندها
<۰.۰۰۱	14.995	0.873	R2	استقلال عملیاتی	
<۰.۰۰۱	14.352	0.846	R3	اصلاح قوانین	
<۰.۰۰۱	11.375	0.805	R4	فرآیند های حسابرسی	
<۰.۰۰۱	13.175	0.797	R5	سیستم نظارتی درون دیوان	
<۰.۰۰۱		0.911	P1	ارتقا شفافیت	پیامدها
<۰.۰۰۱	21.205	0.919	P2	ارتباط موثر	
<۰.۰۰۱	13.794	0.74	P3	حسابرسی جامع	

منبع: یافته های پژوهشگر

همانگونه که در شکل و جدول فوق به خوبی مشهود است تمامی روابط مدل به لحاظ آماری معنادار هستند چرا که مقدار آماره T مربوط به تمامی مسیرهای مدل بیش از ۱.۹۶ و مقدار پی آنها کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده و نشان از معنی داری تمامی روابط مدل دارد. بنابراین این مدل نیاز به اصلاح ندارد.

بررسی روابط مستقیم: ضریب مسیر شرایط علی به شرایط مداخله گر ۰/۵۶۱ گزارش شده که با توجه به مقدار آماره تی این مسیر ۴/۸۱۵ و پی مقدار مربوط به آن که ۰/۰۰۱ < برآورد شده و به ترتیب از ۱/۹۶ بزرگتر و از ۰/۰۵

کوچکتر هستند، این ضریب معنی دار بوده و نتیجه می شود شرایط علی به شرایط مداخله گر پیاده سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی تاثیر مستقیم و معنی داری دارد.

ضریب مسیر شرایط علی به شرایط زمینه ای ۰/۸۹۱ گزارش شده که با توجه به مقدار آماره تی این مسیر ۱۳/۶۴۱ و پی مقدار مربوط به آن که ۰/۰۰۱ < نتیجه می شود شرایط علی به شرایط زمینه ای پیاده سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی تاثیر مستقیم و معنی داری دارد.

ضریب مسیر شرایط زمینه ای به بسترها ۰/۱۸۱ گزارش شده که با توجه به مقدار آماره تی این مسیر ۲/۵۱۸ و پی مقدار مربوط به آن که ۰/۰۱۲ < نتیجه می شود شرایط زمینه ای به بسترها پیاده سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی تاثیر مستقیم و معنی داری دارد.

ضریب مسیر شرایط مداخله گر به بسترها ۰/۱۴۵ گزارش شده که با توجه به مقدار آماره تی این مسیر ۲/۱۲۹ و پی مقدار مربوط به آن ۰/۰۳۳ < نتیجه می شود شرایط مداخله گر به بسترها پیاده سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی تاثیر مستقیم و معنی داری دارد.

ضریب مسیر شرایط علی به بسترها ۰/۷۲۷ گزارش شده که با توجه به مقدار آماره تی این مسیر ۶/۶۲۱ و پی مقدار مربوط به آن نتیجه می شود شرایط علی بر بسترها پیاده سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی تاثیر مستقیم و معنی داری دارد.

ضریب مسیر بسترها به راهبردها ۰/۶۶ گزارش شده که با توجه به مقدار آماره تی این مسیر ۶/۴۶۴ و پی مقدار مربوط به آن ۰/۰۰۱ < نتیجه می شود بسترها بر راهبردها پیاده سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی تاثیر مستقیم و معنی داری دارد.

ضریب مسیر شرایط مداخله گر به راهبردها ۰/۹۰۴ گزارش شده که با توجه به مقدار آماره تی این مسیر ۵/۷۸۸ و پی مقدار مربوط به آن ۰/۰۰۱ < نتیجه می شود شرایط مداخله گر بر راهبردهای پیاده سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی تاثیر مستقیم و معنی داری دارد.

ضریب مسیر شرایط زمینه ای بر راهبردها ۰/۲۰۴ گزارش شده که با توجه به مقدار آماره تی این مسیر ۳/۳۲۷ و پی مقدار مربوط به آن که نتیجه می شود شرایط زمینه ای بر راهبردهای پیاده سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی تاثیر مستقیم و معنی داری دارد.

ضریب مسیر راهبردها بر پیامدها ۰/۸۹۱ گزارش شده که با توجه به مقدار آماره تی این مسیر ۱۳/۶۴۱ و پی مقدار مربوط به آن نتیجه می شود راهبردها بر پیامدهای پیاده سازی مدیریت دانش در نظارت مالی دیوان محاسبات در بخش بانکی تاثیر مستقیم و معنی داری دارد.

بررسی روابط غیر مستقیم و کامل: با توجه به اینکه تمامی روابط مدل معنی دار بوده به بررسی روابط غیر مستقیم پرداخته شده است. با توجه به ضرایب مسیر به دست آمده در مدل، اثرات غیر مستقیم متغیرها بر در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۳. اثرات غیر مستقیم متغیرها

اثر غیر مستقیم					مستقل
وابسته	علی	زمینه‌ای	مداخله گر	بسترها	راهبردها
شرایط زمینه ای	0	0	0	0	0
شرایط مداخله گر	0	0	0	0	0
بسترها	*0.18	0	0	0	0
راهبردها	*0.569	*0.01	*0.008	0	0
پیامدها	*0.507	*0.173	*0.798	*0.049	0

منبع: یافته های پژوهشگر

در جدول فوق ضرایبی که با علامت * مشخص شده اند، در سطح خطای ۵ درصد معنادار بوده اند. مشاهده می شود که شرایط مداخله گر، شرایط زمینه ای، شرایط علی و بسترها به طور غیر مستقیم و معناداری بر پیامدها تاثیر داشته اند. همچنین شرایط علی به طور غیر مستقیم و معناداری بر بسترها و راهبردها و بسترها تاثیر رد. شرایط زمینه ای و مداخله گر نیز به صورت غیر مستقیم بر راهبردها تاثیر معناداری دارند.

جدول ۴. اثرات کامل متغیرها

اثر کامل					مستقل
وابسته	علی	زمینه‌ای	مداخله گر	بسترها	راهبردها
شرایط زمینه ای	0.547	0	0	0	0
شرایط مداخله گر	0.561	0	0	0	0
بسترها	0.907	0.181	0.145	0	0
راهبردها	0.569	0.214	0.912	0.66	0
پیامدها	0.507	0.173	0.798	0.049	0.891

منبع: یافته های پژوهشگر

مشاهده می شود که راهبردها بیشترین تاثیر را بر پیامدها به صورت کامل داشته است. بعد از آن شرایط مداخله گر و سپس شرایط علی بیشترین تاثیر را به صورت کامل بر پیامدها داشته اند. همچنین، شرایط مداخله گر بیشترین تاثیر را بر راهبردها به صورت کامل داشته است. بعد از آن به ترتیب بسترها و سپس شرایط علی بیشترین تاثیر را به صورت کامل بر راهبردها داشته اند. شرایط علی بیشترین تاثیر را به صورت کامل بر بسترها داشته و میزان تاثیر شرایط زمینه ای بر بسترها از شرایط مداخله گر بیشتر بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین اقدامات اجرایی که در مصاحبه‌ها بیان می‌گردید، نحوه حسابرسی و نقاط حساس حسابرسی در حوزه بانکی بود. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان ابراز می‌داشتند که حسابرسی فعلی دیوان محاسبات در حوزه بانکی به دلایلی از جمله برنامه ریزی نامناسب، عدم تناسب بین کارهای ارجاعی و تعداد نیروها، عدم تخصص‌گرایی در بین نیروهای حسابرسی دیوان محاسبات در بانک‌ها، مشکل دارد و باید رویه حسابرسی دیوان تغییر نماید. برخی از مصاحبه‌شوندگان به صورت ضمنی و برخی دیگر به صورت تلویحی بیان می‌داشتند که نظارت دیوان در حوزه بانکی باید هم به صورت نظارت حضوری و هم به صورت نظارت غیر حضوری باشد. اما نکته بسیار جالبی که اکثر مصاحبه‌شوندگان اعم از خبرگان نظام بانکی و خبرگان دیوان محاسبات بر آن تاکید می‌نمودند، حسابرسی مبتنی بر ریسک و تمرکز حسابرسی بر حوزه‌های پرریسک در بانک‌ها بود. موضوع دیگری که بسیار جالب بود، آنان ابراز می‌داشتند که باید فرایندهای عملیات و فعالیت بانک‌ها حسابرسی شود. به عبارت دیگر معتقد بودند آنچه که نتایج را شکل می‌دهد، مسیر و فرایندهای ایجاد آن نتایج است و اگر آن مسیر به درستی طراحی شده باشد، نتایج نهایی مناسب خواهد بود. نمونه‌هایی از مواردی که مصاحبه‌شوندگان بر آن تاکید داشتند عبارت بود از: کنترل و پایش ریسک اعتباری، کنترل و پایش ریسک تمرکز، کنترل و پایش ریسک اعتباری، کنترل و پایش ریسک عملیاتی، کنترل و پایش ریسک‌ها در بخش فناوری، ارائه یافته‌های حسابرسی به مسئولین بانک، نظارت بر فرایندهای اعطای تسهیلات در ادامه اظهارات برخی از مصاحبه‌شوندگان نشان داده شده است. توجه به تعداد نیروهایی که ما داریم و کمبود منابع موجود، لازم است اولویت‌ها مشخص شود و تمرکز بر اولویت‌ها باشیم نه اینکه هر کار ارجاعی که مطرح می‌شود، رسیدگی شود در حسابرسی بانک‌ها باید حوزه‌های پرریسک شناسایی شود. حوزه‌های پرریسک مرتبط با اهداف و کارکردهای همان بانک باید تعریف شود. در محیط اقتصادی فعلی کشور، اقتصاد از طریق تامین مالی بانک تامین می‌شود به عبارت دیگر اقتصاد بانک محور است و فرایند اعطای تسهیلات در بانک‌ها و رسیدگی به این امر از اهمیت زیادی برخوردار است که در این خصوص فرایند اعتبار سنجی، وثایق، اصالت طرح‌های توجیهی و سایر موارد مرتبط با اعطای تسهیلات از اهمیت دارد.

در مفهوم نظارت بانکی، چیزی که مهم است بحث نظارت مبتنی بر ریسک است. بنابراین نمی‌شود همه چیز را چک کنیم و باید برای اهداف و اولویت‌های مهم مسائل را چک کنید. مشخص نبودن برنامه‌های حسابرسی در دیوان محاسبات در اکثر حوزه‌ها به خصوص در حوزه بانکی و ارجاعات خارج از برنامه در طی فرایند حسابرسی منجر به خارج شدن حساب‌برسان از مسیر برنامه ریزی شده اولیه می‌شود و در نهایت نوعی سرخوردگی و عدم اطمینان در بین نیروهای حسابرسی در خصوص نحوه برنامه ریزی مدیران ایجاد می‌شود و در نهایت این تفکر حاکم شده است که اصلاً چیزی به نام برنامه ریزی در دیوان محاسبات کشور وجود ندارد و ما وقتی صبح سر کار می‌آیم منتظر هستیم تا برنامه همان روز را به ما بدهند. موضوعی که در دیوان محاسبات در بخش بانکی مغفول مانده است حسابرسی مبتنی بر ریسک است. در طول دوره حسابرسی دیوان در هیچ بخشی و در هیچ دوره‌ای اصلاً مفهومی به نام ریسک و اندازه‌گیری آن در بخش‌های مختلف عملیات بانکی توسط حساب‌برسان دیوان محاسبات

انجام نشده است چون او دانش آن وجود ندارد و ثانیاً این موضوع مطالبه نشده و ثالثاً اهمیت آن برای مدیران دیوان زیاد نیست.

برخی از مشارکت کنندگان در این خصوص چنین ابراز نظر نموده اند :

▪ هنگامی که حسابرس وظایف خود را به شکل مناسبی انجام می دهد، قوانین باید از آنها در برابر شکایتها احتمالی حمایت کند.

▪ هنگامی که حسابرس مطمئن باشد که در انجام وظایفش با مشکلات سیاسی روبرو نمی شود می تواند قضاوت حرفه ای مناسب تری انجام دهد. حسابرسان در برخی از پرونده ها وارد نمی شوند زیرا از این ترس دارند که موقعیت شغلیشان به خطر بیافتد.

متأسفانه این ترس در رسیدگی های حسابرسان تاثیر می گذارد. برخی از مسائل و موضوعات وجود دارد که به دلیل محرمانه بودن و یا حتی سری بودن نه تنها امکان رسیدگی آن کم است بلکه حسابرسان سعی می کنند وارد رسیدگی این موضوعات نشوند زیرا از این بیم دارند که خدایی نکرده برایشان مشکل ایجاد شود. آنچه در این تم آشکار گردید، نبود پشتیبانی و حمایت قانونی از حسابرسانی است که وظایف خود را منطبق با قانون انجام می دهند. مشخص است که نیروها و فشارهای بیرونی وجود دارد که به بهانه های مختلف از جمله محرمانه بودن موضوع یا مواردی از این قبیل، موانعی را برای نظارت حسابرسان ایجاد می کنند که همین امر و نبود حمایت قانونی از موقعیت حسابرسان، منجر به این شده است که حسابرسان از ورود به برخی از موضوعات امتناع ورزند. بنابراین می بایستی قوانین تدوین شود تا به طور کامل از حسابرسان حمایت گردد .

موضوع دیگری که در این تم مطرح می باشد، شفافیت در سطح قانون است. یکی از معضلاتی که در اکثر مصاحبه ها مطرح بود، بیان عدم شفافیت در قوانین و مقررات بود هنگامی که قانون قابل تفسیر باشد، هر شخص با هر دستگاه اجرایی، آن را به نفع خود و برای رسیدن به اهداف خود تفسیر می کند. بنابراین یکی از پیش شرط های نظارت مالی، وجود شفافیت در تدوین قوانین و مقررات است. در مصاحبه های انجام شده، برخی از مشارکت کنندگان در این وقت چنین ابراز نقل نموده به نظر من قوانینی که مجلس تصویب میکند، شفاف نیست و در برخی از موارد غیر کارشناسی این کار انجام می شود. متأسفانه قوانین ما، واضح و شفاف نیستند و تبصره های مختلف باعث شده است که روزه های زیادی در قوانین ما وجود داشته باشد.

فهرست منابع

تقوی، مهدی، احمدیان، اعظم و کیانوند، مهران (۱۳۹۲). تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه با تأکید بر شاخص مالکیت بانک ها. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ششم، ۱۹، ۴۵ - ۶۶.

توکل، پریسا، پدرام، مهدی، توکلیان، حسین. (۱۴۰۱). بررسی و شناسایی تعارضات احتمالی اجرای سیاست های احتیاطی کلان با اهداف سیاست پولی (ثبات قیمت و تولید) در اقتصاد ایران با استفاده از رویکرد DSGE. اقتصاد مالی، ۱۶(۶۰)، ۱-۴۴.

حاجی شاه وردی، دنیا، زمردیان، غلامرضا، فلاح شمس لیالستانی، میرفیض و حنیفی، فرهاد (۱۳۹۸). طراحی سیستم پیش هشدار دهنده بحران بانکی نظام مند در بازار مالی ایران (با کاربرد زنجیره های مارکوفی)، اقتصاد مالی، ۴۷، ۱۳۵-۱۵۳.

خسروی پور نگار، جعفری محبوبه، عبدی محمدرضا. طراحی الگوی بهینه مدیریت دانش برای دستگاه های نظارتی در ایران مطالعه موردی: دیوان محاسبات کشور. دانش حسابداری. ۱۳۹۶؛ ۱۷ (۶۹): ۳۲۸-۳۰۹

ذالبیگی دارستانی، حسام (۱۳۹۳). عوامل موثر بر ثبات در شبکه بانکی ایران. پژوهشهای پولی و بانکی. ۷ (۲۰)، ۳۲۷-۳۰۷.

ستوده، رضا، فغانی، مهدی، پیغه، احمد. (۱۳۹۹). بررسی توانایی فرایندهای داخلی دیوان محاسبات کشور جهت مسئولیت پاسخگویی به استفاده کنندگان. دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی، ۱۷ (۱)، ۱۹۳-۲۰۸

سیف الهی، ناصر و حمیدزاده اربابی، علیرضا، ۱۴۰۰، تحلیل اثر مدیریت دانش و جهت گیری بازار بر عملکرد بازار با نقش میانجی نوآوری باز (نمونه پژوهش: بانک تجارت).

شاهچراغی، مهشید (۱۳۹۲)، میزان انطباق اصول کمیته بال در نظام بانکی ایران، پژوهش های پولی و بانکی، ۱۸، ۱۰۹-۱۲۲.

شاهچراغی، مهشید و اربابیان، شیرین (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین تمرکز و ثبات مالی در نظام بانکداری ایران. نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی، مرکز همایش های بین المللی صدا و سیما.

شایگانی، بیتا و عبداللهی آرانی، مصعب (۱۳۹۰). بررسی ثبات در بخش بانکی ایران. جستارهای اقتصادی، ۱۶، ۱۶۸-۱۴۷.

شمس میمندی، علی و علیپور، لری، ۱۳۹۷، بررسی تاثیر ساختار سازمانی و نظارت مالی دولتی و نقش آن در بهبود مدیریت سازمان، دومین همایش بین المللی مدیریت، اقتصاد و بازاریابی، تهران،

صدقی، حسین، خدایاری، محمد و علی معروفخانی (۱۳۹۳). اصول ۲۹ گانه برای نظارت بانکی مؤثر از انتشارات کمیته نظارت بر بانکداری بال. اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی.

علوی، معصومه، یعقوب نژاد، احمد، محمدی نوده، فاضل. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر شاخص های مرتبط با نظارت بر سازوکارهای تأمین مالی و عوامل مؤثر بر آن. اقتصاد مالی، ۱۶ (۶۰)، ۳۲۵-۳۵۴.

مهر آرا، محسن و عبدی، رامین (۱۳۹۳). ارزیابی کارایی فنی صنعت بانکداری ایران و تعیین عوامل مؤثر بر آن (رهیافت مدل های مرزی تصادفی). اقتصاد مالی، ۲۸، ۸۳-۱۰۵.

نیکخوا، حافظ، رحمانی، تیمور، خلیلی، فرزانه. (۱۴۰۱). ناطمینانی اقتصاد کلان و تصمیمات سرمایه گذاری بانک ها. اقتصاد مالی، ۱۶ (۵۸)، ۱-۲۲.

وقفی، سید حسام، قمیان، محمد مهدی، فیاض، علی، خواجه زاده، سامیران. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مدیریت دانش بر کارایی بخش مالی دستگاه های اجرایی (مطالعه موردی شهرداری مشهد). دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی، ۳ (۲)، ۷۱-۷۸.

- Adeoye, O. 2017. The Role of Internal Auditors in Fraud Prevention. (CASE STUDY OF NIGERIA BANK). (Doctoral thesis, Business Economics and Tourism).
- Aghion, P., Tirole, J., 1997. Formal and real authority in organizations. *J. Polit. Econ.* 105 (1), 1–29.
- Akins, B., Dou, Y., Ng, J., 2017. Corruption in bank lending: The role of timely loan loss recognition. *Journal of Accounting and Economics* 63, 454–478.
- Alonso, R., Dessein, W., Matouschek, N., 2015. Organize to adapt and compete. *Am. Econ. J.* 7 (2), 158–187.
- Amudo, A. and Inanga, E.L. 2009, Evaluation of Internal Control Systems: “A Case study from Uganda” international research *Journal of finance and economics* Volume.27 pp 124–144.
- Anginer, D., Bertay, A. C., Cull, R., Demirgüç-Kunt, A., & Mare, D. S. (2021). Bank capital regulation and risk after the Global Financial Crisis. *Journal of Financial Stability*, 100891. doi:10.1016/j.jfs.2021.100891
- Barth, J. R., Caprio Jr, G., Levine, R., 2013. Bank Regulation and Supervision in 180 Countries from 1999 to 2011. *Journal of Financial Economic Policy* 5, 111–219.
- Basel Committee on Banking Supervision, 2012. Core Principles for Effective Banking Supervision, Bank for International Settlements.
- Benston G.j., Robert A. Eisenbeis, P. M. Horvitz, E., J. Kane and. Kaufman, G.G. (1986). Perspectives on safe & sound banking: Past, present, and future, *Journal of Banking & Finance*, Volume 12, Issue 4, Pages 604–608.
- Borio, C. and R. Filosa, 1994, ‘The Changing Borders of Banking: Trends and Implications’, BIS Economic Paper, No. 43, (December).
- Bovens, M. 2007.” Analysing and assessing accountability: A conceptual framework”. *European Law Journal*, 13(4), 447–468. doi: 10.1111/j.1468- 0386.2007.00378.
- Bovens, M. 2010.” Two concepts of accountability: Accountability as a virtue and as a mechanism”. *West European Politics*, 33(5), 946–967. doi: 10.1080/01402382.2010.486119.
- Brei, M., Schclarek, A., 2015. A theoretical model of bank lending: Does ownership matter in times of crisis? *Journal of Banking and Finance* 50, 298–307.
- Chrysovalantis G, Fotios P, 2013. Financial supervision regimes and bank efficiency: International evidence. *Journal of Banking & Finance* 37. 5463–5475.
- Coenen, T. L. 2008. *Essentials of Corporate Fraud*. Hoboken: John Wiley & Sons, Incorporated. Retrieved from <https://ebookcentral-proquestcom.ezproxy.puv.fi/lib/vamklibrary-ebooks/detail.action?docID=331643>.
- Cordery, C., Baskerville, R., & Porter, B. (2010). Control or collaboration?: Contrasting accountability relationships in the primary health sector. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 23(6), 793–813. doi: 10.1108
- Demaestri, E., Guerrero, F., 2005. Financial supervision: integrated or specialized? The case of Latin America and the Caribbean. *Financial Markets, Institutions & Instruments* 14, 43–106.
- Dessein, W., 2002. Authority and communication in organizations. *Rev. Econ. Stud.* 69, 811–838.
- Dessein, W., Garicano, L., Gertner, R., 2010. Organizing for synergies. *Am. Econ. J.* 2, 77–114.
- Ebrahim, A. 2003. Making sense of accountability: Conceptual perspectives for northern and southern nonprofits. *Nonprofit Management and Leadership*, 14(2), 191–212. doi: 10.1002/nml.29
- Ebrahim, A. 2010. The many faces of nonprofit accountability *The Jossey-Bass Handbook of Nonprofit Leadership and Management* (pp. 101–123). San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Englert, Roy T (1978–1979), *Bank Supervision in Historical Perspective*, *Business Lawyer*, Vol. 34.
- Ferguson, R., 2000, ‘Alternative Approaches to Financial Supervision and Regulation’, *Journal of Financial Services Research*, 17(1), 297–303.

**Designing a knowledge management implementation model
in the financial supervision of the Court of Audit in the
banking sector**

Yasman Maleki¹
Abbas Ali Haghparast²
Reza Sotoudeh³
Habib Piri⁴

Received: 2025/March/31 Accepted: 2025/June/04

Abstract

The aim of this study was to design a knowledge management implementation model in the financial supervision of the Court of Audit in the banking sector with a mixed approach. In the qualitative phase with 15 people, who were mainly managers and deputies of the Court of Accounts and the banking sector and university professors and experts in the field of finance and auditing, the interviews continued until the achievement of theoretical saturation in a purposeful way. Cochran's formula was chosen at random. The research tool in the qualitative part of the exploratory interview was semi-structured and in the quantitative part to evaluate the implementation of knowledge management in the financial supervision of the Court of Accounts in the banking sector, a researcher-made questionnaire was used based on the codes obtained in the qualitative stage. In the qualitative part, the analysis of the interviews was performed using the foundation data analysis method. The validity and reliability of the components were examined and Cronbach's alpha of all the above components was 0.7 and during it; The most important components of knowledge management implementation in the financial supervision of the Court of Audit in the banking sector were assessed. In a quantitative part, through the method of structural equations, the accuracy of the research model was confirmed and it was found that the selection of concepts, dimensions and indicators is very accurate and can provide a suitable framework for developing a vision document in the banking sector.

Keywords: Implementation, Knowledge Management, Financial Supervision, Court of Audit, Banking
JEL Classification: M40, P34, Z10, P30

¹ Department of Accounting, Zah.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran. stu.Yasamanmaaleki@iatuac.ir

² Department of Accounting, Zah.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran (Corresponding author).
abbasali.haghparast@iau.ir

³ Department of Finance and Accounting, Faculty of Humanities, Meybod University, Meybod, Iran.
sotudeh@meybod.ac.ir

⁴ Department of Accounting, Zah.C., Islamic Azad University, Zahedan, Iran. habib.piri@iau.ir

